

# ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان

(آخرین قسمت)

دکتر محمد ریاض

استاد اردو و پاکستان‌شناسی دانشگاه تهران

در نتیجه مبارزات آزادیخواهانه اهالی شبه قاره، روز ۱۴ و ۱۵ اوت ۱۹۴۷ م به ترتیب دولتهای مستقل پاکستان و بھارت (هند) در شبه قاره بوجود آمد. میدانیم که در هند در برنامه تدریس زبانها در دبیرستانها و دانشگاهها، فارسی هم شامل می‌باشد. متون نظم و نثر بوسیله بسیاری از انجمنها و مؤسسات تحقیقی چاپ میگردد. در بمبئی و دهلی خانه‌های فرهنگ ایران هم وجود دارد و بیش از ده دانشجوی هندی از دانشگاههای ایران دارای دکتری ادبیات فارسی گردیده و آنها اینک مشغول تدریس می‌باشند، دولت هند ماهنامه‌ای بفارسی بعنوان «آئینه هند» در تهران منتشر می‌سازد. آقای مالک‌رام، دبیر کل انجمن روابط فرهنگی ایران و هند در یک مقاله خود (ماهنامه هنر و مردم مهرماه ۱۳۵۲ ش) نوشته است:

«در حدود سی دانشگاه در هند بخشهای فوق لیسانس فارسی دارد و نه دانشگاه، علیگر، دهلی، کلکتہ، پیشه، عثمانیہ، بارودا، پنجاب، گجرات و ناگپور، دوره دکترا نیز دارند . . . . . رئیس جمهوری هند هم هر سال سه جایزه مادام‌العمر سالی ۳,۰۰۰ روپیہ، یکی برای سانسکریت و یکی برای فارسی، و دیگری برای عربی اعطا می‌کند . . . . به شاگردان اول دوره دکتری ادبیات فارسی هر سال چند مدال طلا به نام شاعران و نویسندگان برگزیده فارسی اعطا می‌گردد. صفحه «۴» . . . از نویسندگان و شاعران معاصر بھارت، اشخاص زیر در آن قسمت کشمیر بسر می‌برند که در دست هند می‌باشد:

آثم، پیر عبدالقادر (م ۱۳۶۴ هـ / ۱۹۴۴ م) - از مردان درویش بود. غزلی انتخابی از او را ملاحظه میفرمائید:

آمد جوابی عرض سلامی	امشب زجانان آمد پیامی
شاهی بصورت ماه تمامی	جانان چه جانان، جان جهانی
رخسار و کاکل صبحی و شامی	لوح جیشش طور تجلی
بالا بلای رعنا خرامی	جادو نگاهی مژگان سپاهی
دارند با هم خوش انتظامی	خطش چه خطی تفسیر مصحف
از هستی ما باقی است، نامی	آثم فراقش بگداخت مارا

حیرت، شمس‌الدین کاملی (متولد ۱۳۰۸ هـ) - مردی فاضل است. در موسیقی و عروض دست قوی دارد، بعنوان افسانه حیرت، نیرنگ حیرت و کارنامه زین‌العابدین شاهی مثنویهای خوب دارد، در وصف طبیعت قآنی‌وار شعر می‌سراید مثلاً اشعار زیر را در وصف

گلزارهای کشمیر سروده است :

بهارها عذارها نگارها و یارها  
شگفته لاله‌زارها بگرد کوهسارها  
ز عاشقان زارها همی برد قرارها  
رسیده جویبارها همی ز مرغزارها  
هزارها هزارها ، نموده ناله‌زارها

سمن سمن چمن چمن دمن دمن زمین گل  
ز درد دل سخن سخن ثنا و آفرین گل  
روش روش ختن ختن جهان شده رهین گل  
ز عندلیب و بلبلان ، شنیده ازقرین گل  
چو صبح باده کرده از فراز لاله‌زارها

داراب ، محمد امین (متولد ۱۳۰۸ هـ) - از طبقه تجار است و سلسله نسب وی به نخستین حاکم کشمیر سدکان صدرالدین می‌رسد . شهرت شاعر بیشتر از این حیث است که در برخی غزلیات اقبال لاهوری ، مشموله کتاب زبور عجم تتبع نموده و جواب گفته است . نمونه مختصری را از آثار او ملاحظه می‌نمائید :

اقبال :

از مشت غبار ما صد ناله برانگیزی  
جز ناله نمی‌دانم ، گویند غزل خوانم  
زردیکتر از جانی با خون من آمیزی  
این چیست که چون شبنم برسینه من‌ریزی ؟

\*\*\*

داراب : از شورجنون ما محشرچه برانگیزی  
ساز غزلم دارد راز جگرم دردل  
ای خلوتی دلها ! از جلوه پیرهیزی  
سوز نفسم باشد محو اثرانگیزی  
فطرت ، سید مبارک‌شاه (متولد ۱۳۱۶ هـ ق) - بخانواده متصوفه و عرفا انتصاب دارد ، او ارادتمندان زیاد دارد ، مدتی در ترکستان بسر برده است . . . « آئینه فطرت » از مثنویهای معروف اوست که در آخرین خطاب بفرزند خود چنین گفته است :

چشم فکرت بحسن تو خیره  
زانکه هستم باصل خود واصل  
تا توانی تو ظاهر آرا شو  
ما حریفیم و مست مولائیم  
لیک اندر طریقت مردان  
تو ولی غافل از این ویژه  
نیستم لحظه‌ای زخود غافل  
باطنت را بیوش و نکته شنو  
پاک از لوث و حرص دنیا ئیم  
مردن اولی که نانی از دونان

سرخوش کشمیری - از شعرای معروف معاصر اردو و فارسی است ، اشعار زیر از اوست که در ماهنامه گلریز سرینگر چاپ گردیده است :

عجب وارون مزاج چرخ کج رفتار می‌بینم  
بز اخفش بجای صاحب کشف بر منبر  
سفاقت کارفرما و نجابت خوار می‌بینم  
صدقت در رحل ، عرقوب در دربار می‌بینم  
یزیدی در لباس بایزیدی رهزن ایمان  
کنی تاکی ز جور چرخ وارون شکوه‌ای سرخوش  
به هر جا صورت جبریل اندر کار می‌بینم  
بهای نغمه‌هایت چون نه در بازار می‌بینم

\*\*\*

### در پاکستان

پاکستان کشوری است که در عهد گسترش تمدن وسیع اسلامی در شبه‌قاره بوجود آمد و پیداست که زبان فارسی در تمدن و فرهنگ این کشور سهمی بسزا دارد ، بهمین سبب میان کشورهای فارسی زبان ، تداول این زبان و عده فارغ‌التحصیلان پاکستانی در رشته زبان و ادبیات فارسی از همه کشورهای جهان زیادت‌تر است (در حدود ۶۰ نفر) . آموزش فارسی در پاکستان از نیمه دوره دبیرستان آغاز شده و تا دوره دانشگاه ادامه دارد و نیز در خانه‌های فرهنگ ایران و مراکز آموزش عمومی پاکستان نیز فارسی تدریس میشود . کارهای تحقیقی فارسی در سایر مؤسسات کشور بطور جدی جریان دارد . در مجلات فارسی مانند سروش و هلال و صدای پاکستان و پاکستان مصور و نیز در سایر مجلات اردو و انگلیسی هم مطالب تحقیقاتی

فارسی بطور عادی گنجانده می‌شود. از بدو تأسیس پاکستان و تأسیس روابط بسیار حسنه با ایران، سنت فارسی‌نویسی بعد از سالیان دراز از سر گرفته شد و اینک تألیفات و نوشته‌های دهها نفر محقق پاکستانی را در ایران بکمال میل چاپ میکنند، فارسی در زبان اردو و سایر زبانهای محلی پاکستان تأثیر زیاد دارد، نظر به محیط مساعد برای توسعه آموزش زبان فارسی در پاکستان، دولت ایران در کراچی و حیدرآباد سند و کوئته و لاهور و راولپندی و پیشاور خانه‌های فرهنگ ایران دایر نموده و دوخانه فرهنگ دیگری در ملتان و دیگری در اسلام‌آباد گویا بزودی دایر می‌گردد. در این خانه‌های فرهنگ و نیز در مراکز پاکستان (پاکستان سنتر) کلاسهای آموزش فارسی ادامه دارد و چندین هزار پسر و دختر هر سال زبان فارسی یاد می‌گیرند و عده لیسانسیه‌ها و فوق لیسانسیه‌ها و نیز فارغ‌التحصیلان دوره دکتری دانشگاههای پاکستان قابل ملاحظه می‌باشد.

شعرخوانی و فارسی‌سرائی از خصال برجسته مردم پاکستان است. استاد فقید سعید نفیسی در مقاله‌ای که بعنوان ۶۶ روز در پاکستان، در مجله هلال پاکستان نگاشته‌اند (آبانماه ۱۳۳۵ هـ ش ض صفحه ۴۸) می‌فرمایند:

«شعر فارسی در میان مردم پاکستان باندازه‌ای رواج دارد که تا کسی بآنجا نرود تصور نمیکند. اغلب مردم حتی وقتی که اردو حرف می‌زنند بجائی میرسند که میخواهند دلیل محکم برای سخن خود بیاورند، يك یا دو شعر فارسی شاهد می‌آورند، در سایر انجمنهای ادبی پاکستان، مانند انجمن ادبی کراچی، بزم سعدی حیدرآباد سند، بزم ادب کوئته، بزم حافظ لاهور، بزم فارسی سیالکوت، انجمن روابط فرهنگی ایران و پاکستان و نیز سازمان فارسی راولپندی، بزم ادب پیشاور و بزم ادب مظفرآباد، کشمیر و غیره بطور هفتگی یا دوهفتگی یا ماهانه مجالس سخنرانی و شعرخوانی فارسی برگزار می‌گردد که در آنها ایرانیان مقیم پاکستان نیز شرکت می‌جویند.

در سال ۱۳۴۸ شمسی (۱۹۶۹ میلادی) دولتین ایران و پاکستان بتأسیس مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در راولپندی مبادرت ورزیدند و این مرکز در آموزش و تحقیقات فارسی نقش بس مهمی را ایفا نموده و می‌نماید فهرست‌های نسخ خطی و بعضی از انتشارات سودمند آن تاکنون منتشر شده و معروف است، در اینجامجالی نداریم که از نوشته‌ها و اشعار فارسی‌نویسان و فارسی‌سرایان شواهدی بیاوریم. دوستان دانشمند ما آقایان محمدحسین تسبیحی و دکتر سیدحسن رضوی در آثارشان به ترتیب: فارسی پاکستانی و مطالب پاکستان‌شناسی و فارسی‌گویان معاصر پاکستان (جلد اول هر کتاب از طرف مرکز تحقیقات در سال ۱۳۵۳ ش/۱۹۷۴م چاپ گردیده است) این وظیفه‌را انجام داده‌اند و اینک ما بنوبه خود بذکر بعضی از آثار چاپ شده فارسی و بعضی از فارسی‌گویان معاصر بالاجمال خواهیم پرداخت:

سبک‌نویسندگی و شعر پاکستانیان، به نثر و نظم ایران نزدیک است. در شعر فارسی همان روش اقبال را در پیش می‌گیرند که سادگی و روانی و شیوایی بیان است. بعضی از کتابهای مهم فارسی که در پاکستان چاپ گردیده، بدینقرار است:

کلیات امیر خسرو، غزلیات جلد اول بتصحیح اقبال صلاح‌الدین لاهور، مثنوی و امق و عذرای عنصری - شادروان دکتر محمد شفیع (لاهور).

دیوان صائب بخت خود شاعر با مقدمه روانشاد دکتر ممتاز حسن (لاهور).

دیوان بیرم‌خان خانخانان باهتمام دکتر سید حسام‌الدین راشدی و همکاری (کراچی).

کلیات فارسی غالب (درسه جلد) بتصحیح سیدمرتضی حسین فاضل (لاهور).

تاریخچه تازه شعرای معارک به تصحیح عبدالمطی حبیبی افغانی (کراچی).

تذکره مردم دیده به تصحیح دکتر سید محمد عبدالله (لاهور).

تذکره الشعراء کشمیر اثر محمد اصلح میرزا با چهار جلد تکمله از دکتر سید حسام الدین راشدی (کراچی) .

تذکره شعراء پنجاب ، تألیف سرهنگ خواجه عبدالرشید (کراچی) .  
کلیات فیضی ، بتصحیح ا . د - ارشد وسید وزیرالحسن عابدی .  
ذخیره الخوانین اثر شیخ فرید بهکری باهتمام دکتر سید معین الحق (کراچی) .  
کلیات جويا تبریزی اثر شیخ فرید بهکری به اهتمام دکتر محمدباقر (لاهور) .  
مدار الافاضل (لغت) از استاد اوفیتی سرهندی ، باهتمام دکتر محمدباقر (لاهور) .  
شاهجهان نامه (۳ جلد) از محمد صالح کنبوه بتصحیح دکتر غلام یزدی و دکتر وحید قریشی (لاهور) .

تاریخ شعر و سخنوران فارسی در لاهور اثر دکتر یمین خان (لاهور) .  
سعدی و خسرو (غزلیات همطرح) تألیف سید وزیرالحسن عابدی (لاهور) .  
اقبال در راه مولوی ، نوشته دکتر سید محمد اکرم شاه اکرام (لاهور) .

\* \* \*

اینک نمونه‌هایی مختصر از برخی از فارسی‌گویان معاصر پاکستان را عرضه می‌نمایم :  
عرشی امیرشری ، علامه محمدحسین (متولد ۱۸۹۶ میلادی) مردی فاضل و طبیبی  
پنم است انتخابی از غزلش را ملاحظه کنید ، در این زمینه نظیری و اقبال لاهوری و محتملاً  
دیگران هم گفته‌اند :

چه باشد گریگری دست لرزان ناتوانی را      نوازی از دم جان بخش فیضت نیم‌جانی را  
انیسی نیست در گیتی ، پناهی نیست در عالم      غریبی ، بیکی مفتون و رسوایی جهانی را  
به عرشی هر که می‌بیند بصد اندوه میگوید      به پیری برده سودای محبت نوجوانی را

تسم ، صوفی غلام مصطفی (متولد ۱۸۹۹) - اصل او از امرلتر ، ناحیه‌ای در نزدیکی  
لاهور در پنجاب شرقی ، است . بعنوان صوفی تسم شهرت دارد . از استادان فارسی است .  
مدتها در دانشکده دولتی لاهور بتدریس فارسی اشتغال ورزیده و مسافرتی به ایران هم انجام  
داده است .

انتخابی از غزل‌های اوست :

بیا چه جای شکایت ز دور افلاک است      ببین که وقت گل است و هوا طربناک است  
بیا که بی‌تو شکبیا نمی‌شود خاطر      بیا که چشم تمنا هنوز نمناک است  
زبسکه ریزش مستی کند سحاب بهار      نگاه نرگس شهلا به خوشه تاک است  
حدیث خلوتیان حرم مگو که مرا      نظر به جلوه‌گر شاهدان چالاک است  
ماهر القادری ، منظور حسین (متولد ۱۹۰۶) . اصلش از ناحیه کسیر کلان بلندشهر  
هند است و در حین تأسیس پاکستان به کراچی آمده است . شاعر اردو و فارسی و مؤسس  
وصاحب امتیاز ماهنامه فاران کراچی است . از غزل اوست :

غریب شهر سامانی ندارد      جنون دارد ، بیابانی ندارد  
ره غم غمگساری را بجوید      خوشا دردی که درمانی ندارد  
محبت فارغ از رسم و تکلف      اسیر عشق زندان ندارد  
مبین الفاظ در اشعار ماهر      حدیث شوق پایانی ندارد

عرفانی ، دکتر خواجه عبدالحمید (متولد ۱۹۰۷) مولدش ناحیه میانوالی سیالکوت  
است . مدتی بتدریس انگلیسی اشتغال ورزید و در سال ۱۹۴۵ بعنوان مأمور فرهنگی دولت  
هند به ایران آمد . از آن به بعد در حدود ۱۵ سال در ایران بعنوان وابسته فرهنگی و مطبوعاتی  
دولت پاکستان بسر برد و سپس هم چندین مسافرت به ایران انجام داده است . کتابها بفارسی

دارد . مجموعه رباعیات وی در تهران چاپ شده و از آنجمله است دوربای زیر :

فروغ حسن تو بر من عیان شد      نگاه شوق من آتش زبان شد  
چویک پرتو ز نورت بر من افتاد      بهای گوهر هستی گران شد

\*\*\*

مرا پایان پذیرد زندگانی      ترا آید بسر روز جوانی  
همین افسانه‌های عشق و مستی      بماند یادگار جاودانی

فاضل ، سیدمحمد عبدالرشید (متولد ۱۹۰۹) . اصلش از ناحیه راجستان هند است و در کراچی سکنی دارد . در دانشکده معروف اردو ، استاد فارسی بوده و بزبان اردو آثار زیاده دارد . کلیات شعر اردو و فارسی وی در سال ۱۹۷۳ در کراچی چاپ گردیده است بعنوان «نقوش جاودانی» . غزلی از دوره جوانی شاعر را در زیر نقل می‌کنیم :

آنکه داند لذت آزارها      بر نشاید پرسش غمخوارها  
زنده باش چشم خون‌افشان من      در اسیری دیده‌ام گلزارها  
با که گویم چیست این درد فراق      کوخلد در سینه همچون خارها  
من در دلدار را جویم ولی      پیش من آیند اینجا دارها  
هیچ پیمان بر مراد من نکرد      آنکه با من کرد صد اقرارها  
شورها دارند بهر قاتلی      بردری افتاده دل افکارها  
آنکه ناواقف ز قانون حیات      از خدا داند سزای کارها  
خون‌یک درمان چه کردی جان من      در دل فاضل شکستی خارها

صادق ، سید صادق حسین نقوی ، آقا (متولد ۱۹۰۹) . آقا صادق هم استاد بازنشسته فارسی‌اند شعر اردو و شعر فارسی وی هموار و محکم است . از قصیده او در مدح اقبال لاهوری ، چند بیت ملاحظه خواهید نمود ، این ابیات در مجله هلال کراچی چاپ گردیده است :

کیست کاوزد بر رگ دل نشتری      بزم ما از یار بودش محشری  
چيست این سحر تصور کو مرا      می‌رباید در جهان دیگری  
آدم نو در حریم زندگی      در جهان شاعری پیغمبری  
کفر سوز از نعره‌های لاله      از براهیمی ، حریق آذری  
خامه‌اش اندر نبرد زندگی      رستمی ، افراسیابی ، صفدری  
بر دلش اسرار عالم عکس ریز      آینه سازی ، جمی ، اسکندری

رضا پیشاوری ، میرزا رضا حسین همدانی (متولد ۱۹۱۵) - از شاعران و نویسندگان بنام اردو است که به فارسی هم شعر می‌گوید . سه بیت غزل وی که در زیر می‌آید ، در استقبال اقبال است . اقبال در مثنوی مسافر غزلی دارد باین مطلع :

از دیرمغان آیم بی‌گردش صهبا مست      در منزل لا بودم از باده لا مست  
ورضا چنین گفته است :

از پرتو رخسارش هر ذره مینا مست      وز تابش گیسویش روح بد بیضا مست  
ناگاه بیاغ آمد آن سرو تمنامست      هر خار گلستان شد چونرگس شهلامست

\*\*\*

از مستی اشعارم وز شوخی گفتارم      خیام به کوثر مست حافظ به مصلا مست  
صابر آفاقی دکتر (متولد ۱۹۳۳) . مولدش دهکوه گرهاری در شهرستان لچه‌رات در نواحی مظفرآباد کشمیر آزاد است . در دانشکده دولتی مظفرآباد استادیار فارسی است . مدتی در تهران دانشجو بوده و در سال ۱۹۷۲ میلادی از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی را دریافت داشته است . موضوع پایان‌نامه وی تصحیح تاریخ اقوام کشمیر «راج ترنگینی» است - مجموعه کلام آقا «صابر» بعنوان گل‌های کشمیر ، در سال ۱۹۷۴ میلادی در روالپندی

پاکستان چاپ گردیده و نمونه اشعارش بدین گونه است :

سحرگه برگرفت از رخ چو دلدارم نقابی را  
کواکب محو شد چون دید طالع آفتابی را  
فزون شد تشنگی دل ز موج عالم بی حاصل  
دریغا کز تغافل آب می دیدم سرابی را  
همه سررا خروش موج و خشم و هیبت دریا  
میان بحر می رقصد ، تماشا کن حیاتی را  
مجو ای همنشین ازما تظاهرهای بی معنی  
ز درویشان صاحب دل چه خواهی آب و تابی را  
کس ار در زحمه تاریک شمع غفلت افروزد  
گناهش روز روشن چیست نور آفتابی را  
چویکسر عالم هستی جمودت یافت ای صابر  
من از دل آرزو دارم به گیتی انقلابی را

**الحرام لاهوری ، دکتر سید محمد اکرم شاه (متولد ۱۹۳۴) .** شاعری خوش فکر و محقق بنام است ، مولدش دهکده مونگناواله در نزدیک لاهور است . او هم از دانشگاه تهران دارای دکترای ادبیات فارسی است . موضوع پایان نامه وی احوال و آثار و افکار علامه اقبال لاهوری ، بوده که با تجدیدنظر بعنوان «اقبال در راه مولوی» در لاهور چاپ گردیده است . مجموعه کلام فارسی وی بعنوان «پروانه پندارد» در تهران چاپ گردیده است (۱۳۴۲ ش) . در سال ۱۹۷۳ بانضمام «پروانه پندارد» مجموعه نسبتاً بزرگتر از کلام وی بعنوان «سکه عشق» در لاهور چاپ گردیده است . او دانشیار زبان و ادبیات فارسی در دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب لاهور است . غزل مسلسل وی را که در شاهنامه هلال ماه اوت ۱۹۷۱ بعنوان عروس گل ، چاپ گردیده در اینجا نقل کرده و مقاله را بی پایان می رسانییم :

بجان تو که مرا آرزو سوای تو نیست  
مرا بیجز سر کوی تو کو سر پرداز  
اگر تو جور پسندی مراست جور پسند  
بدهر فتنه و آشوب از نگاه تو خاست  
نسیم با همه لطف و طراوت و خوبی  
عروس گل بچمن با تمام زیبایی  
بلای عشق ترا می خرم بجان ای دوست  
وفا طلب ز تو کی میکند دگر اکرام

به شوق کیست اگر زندگی برای تو نیست  
که هرگزم بسر ، ای دوست جز هوای تو نیست  
رضای عاشق سرگشته جز رضای تو نیست  
که اصل فتنه بجز چشم فتنه زای تو نیست  
بمطر چون سر گیسوی مشکسای تو نیست  
برنگ و بوی برابر بخاکپای تو نیست  
که زنده نیست هر آن دل که مبتلای تو نیست  
بکن جفا که مرا چشم جز جفای تو نیست

(پایان)

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی